

فارسی نام

● مؤلف: حمید طالب تبار



فهرست

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
بخش اول (معنی بیت‌ها و تثرها)	۹	درس هشتم: هم‌زیستی با مام میهن.....	۵۲
ستایش: به نام خداوند جان و خرد.....	۱۱	شعرخوانی: دوران‌دیشی.....	۵۶
فصل اول: زیبایی آفرینش.....	۱۳	فصل چهارم: نام‌ها و یادها.....	۵۹
درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است.....	۱۴	درس نهم: راز موفقیت.....	۶۰
حکایت: سفر.....	۱۸	درس دهم: آرشی دیگر.....	۶۳
درس دوم: عجایب صنع حق تعالی.....	۱۹	حکایت: نیک رایان.....	۶۸
شعرخوانی: پرواز.....	۲۴	درس یازدهم: زرنِ پارسا.....	۶۹
فصل دوم: شکفتن.....	۲۷	روان‌خوانی: دروازه‌ای به آسمان.....	۷۳
درس سوم: مثل آینه، کار و شایستگی.....	۲۸	فصل پنجم: اسلام و انقلاب اسلامی.....	۷۷
حکایت: باغبان نیک‌اندیش.....	۳۱	درس دوازدهم: پیام‌آور رحمت.....	۷۸
درس چهارم: هم‌نشین.....	۳۳	حکایت: سیرت سلمان.....	۸۲
روان‌خوانی: دریچه‌های شکوفایی.....	۳۷	درس سیزدهم: آشنای غریبان.....	۸۳
فصل آزاد: ادبیات بومی ۱.....	۳۹	میلاد گل.....	۸۵
درس پنجم: آزاد.....	۴۰	درس چهاردهم: پیدای پنهان.....	۸۷
فصل سوم: سبک زندگی.....	۴۱	شعرخوانی: بودِ قدر تو افزون از ملایک.....	۸۹
درس ششم: آداب زندگانی.....	۴۲	فصل آزاد: ادبیات بومی ۲.....	۹۱
حکایت: شو خطر کن.....	۴۶	درس پانزدهم: آزاد.....	۹۲
درس هفتم: پرتو اُمید.....	۴۸	فصل ششم: ادبیات جهان.....	۹۳
		درس شانزدهم: آرزو.....	۹۴

عنوان

صفحه

درس هفدهم: شازده کوچولو ۹۷

روان خوانی: دو نقاش ۱۰۰

نیایش: بیا تا برآیم دستی ز دل ۱۰۱

بخش دوم (بررسی و توضیح دانش‌های زبانی و ادبی)

۱۰۵

درس اول: آرایه‌های ادبی ۱۰۶

تمرین‌های مربوط به آرایه‌های ادبی ۱۱۱

پرسش‌های چهارگزینه‌ای آرایه‌های ادبی ۱۱۲

پاسخ تشریحی تمرین‌های آرایه‌های ادبی ۱۱۶

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای آرایه‌های ادبی ۱۱۷

درس دوم: وابسته‌های گروه اسمی (۱) ۱۲۰

تمرین‌های مربوط به گروه اسمی و وابسته‌ها ۱۲۶

پرسش‌های چهارگزینه‌ای وابسته‌های گروه اسمی ۱۲۸

پاسخ تشریحی تمرین‌های وابسته‌های گروه اسمی ۱۳۳

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای وابسته‌های گروه اسمی ۱۳۵

درس سوم: پرسشی انکاری ۱۳۸

تمرین‌های مربوط به پرسشی انکاری ۱۴۰

پرسش‌های چهارگزینه‌ای پرسشی انکاری ۱۴۱

پاسخ تشریحی تمرین‌های پرسشی انکاری ۱۴۳

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای پرسشی انکاری ۱۴۴

درس چهارم: صفت از لحاظ سنجش و مقایسه ۱۴۶

تمرین‌های مربوط به صفت سنجشی ۱۴۸

پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت سنجشی ۱۴۹

پاسخ تشریحی تمرین‌های صفت سنجشی ۱۵۱

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت سنجشی ۱۵۲

درس ششم: گروه فعلی (۱) مضارع (زمان حال) ۱۵۳

تمرین‌های مربوط به فعل‌های مضارع ۱۵۶

پرسش‌های چهارگزینه‌ای انواع فعل‌های مضارع ۱۵۷

عنوان

صفحه

پاسخ تشریحی تمرین‌های فعل‌های مضارع ۱۶۰

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای انواع فعل‌های مضارع ۱۶۱

درس هفتم: تخلص ۱۶۳

تمرین‌های مربوط به تخلص ۱۶۵

پرسش‌های چهارگزینه‌ای تخلص ۱۶۶

پاسخ تشریحی تمرین‌های تخلص ۱۶۸

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای تخلص ۱۶۹

درس هشتم: تضاد ۱۷۰

تمرین‌های مربوط به تضاد ۱۷۱

پرسش‌های چهارگزینه‌ای تضاد ۱۷۲

پاسخ تشریحی تمرین‌های تضاد ۱۷۵

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای تضاد ۱۷۶

درس نهم: گروه فعلی (۲) [ماضی (گذشته)] ۱۷۷

تمرین‌های مربوط به ماضی ساده و ماضی نقلی ۱۷۹

پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی ساده و ماضی نقلی ۱۸۰

پاسخ تشریحی تمرین‌های ماضی ساده و ماضی نقلی ۱۸۲

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی ساده و ماضی نقلی ۱۸۳

درس دهم: تلمیح ۱۸۴

تمرین‌های مربوط به آرایه تلمیح ۱۸۵

پرسش‌های چهارگزینه‌ای تلمیح ۱۸۶

پاسخ تشریحی تمرین‌های تلمیح ۱۸۸

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای تلمیح ۱۸۹

درس یازدهم: گروه فعلی (۳) [ماضی (گذشته)] ۱۹۱

تمرین‌های مربوط به ماضی استمراری و ماضی مستمر ۱۹۲

پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی استمراری و ماضی مستمر ۱۹۳

پاسخ تشریحی تمرین‌های ماضی استمراری و ماضی مستمر ۱۹۵

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی استمراری و ماضی

مستمر ۱۹۶

عنوان

صفحه

عنوان

صفحه

درس دوازدهم: گروه فعلی (۴) [ماضی (گذشته)]	۱۹۷
تمرین‌های مربوط به ماضی بعید و ماضی التزامی	۱۹۹
پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی بعید و ماضی التزامی	۲۰۱
پاسخ تشریحی تمرین‌های ماضی بعید و ماضی التزامی	۲۰۳
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی بعید و ماضی التزامی	۲۰۴
پرسش‌های چهارگزینه‌ای فعل‌های ماضی، مضارع و آینده	۲۰۵
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای فعل‌های ماضی، مضارع و آینده	۲۰۷
درس سیزدهم: ردیف	۲۰۸
تمرین‌های مربوط به ردیف	۲۱۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای ردیف	۲۱۲
پاسخ تشریحی تمرین‌های ردیف	۲۱۵
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ردیف	۲۱۶
درس چهاردهم: قید	۲۱۷
تمرین‌های مربوط به قید و انواع قید از لحاظ معنی	۲۲۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای نقش دستوری قید	۲۲۱
پاسخ تشریحی تمرین‌های قید و انواع قید	۲۲۳
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای نقش دستوری قیدی	۲۲۴
درس شانزدهم: واژه‌سازی	۲۲۵
تمرین‌های مربوط به واژه‌های ساده، وندی و مرکب	۲۳۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای ساده، وندی و مرکب	۲۳۲
پاسخ تشریحی تمرین‌های واژه‌های ساده، وندی و مرکب	۲۳۶
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژه‌های ساده، وندی و مرکب	۲۳۸
بخش سوم (پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس به درس)	
۲۴۱	
درس: ستایش	۲۴۲
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ستایش	۲۴۶

درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است	۲۴۸
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول	۲۵۵
درس دوم: عجایب صنع حق تعالی	۲۵۹
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوم	۲۶۵
درس سوم: مثل آینه، کار و شایستگی	۲۶۸
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم	۲۷۴
درس چهارم: هم‌نشین	۲۷۷
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهارم	۲۸۴
درس ششم: آداب زندگانی	۲۸۸
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ششم	۲۹۳
درس هفتم: پرتو امید	۲۹۶
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفتم	۳۰۳
درس هشتم: هم‌زیستی با مام میهن	۳۰۶
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هشتم	۳۱۲
درس نهم: راز موفقیت	۳۱۵
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس نهم	۳۲۰
درس دهم: آرش دیگر	۳۲۳
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دهم	۳۲۷
درس یازدهم: زنِ پارسا	۳۲۹
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس یازدهم	۳۳۵
درس دوازدهم: پیام‌آور رحمت	۳۳۸
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوازدهم	۳۴۳
درس سیزدهم: آشنای غریبان، میلاد گل	۳۴۵
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سیزدهم	۳۴۸
درس چهاردهم: پیدای پنهان	۳۵۰
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهاردهم	۳۵۴

عنوان

صفحه

درس شانزدهم: آرزو ۳۵۶

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس شانزدهم ۳۶۰

درس هفدهم: شازده کوچولو ۳۶۲

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفدهم ۳۶۷

بخش چهارم (آزمون‌های جامع تیزهوشان) ۳۶۹

آزمون جامع (۱) ۳۷۰

پاسخ تشریحی آزمون جامع (۱) ۳۷۲

آزمون جامع (۲) ۳۷۳

پاسخ تشریحی آزمون جامع (۲) ۳۷۵

آزمون جامع (۳) ۳۷۶

پاسخ تشریحی آزمون جامع (۳) ۳۷۹

آزمون جامع (۴) ۳۸۰

پاسخ تشریحی آزمون جامع (۴) ۳۸۳

آزمون جامع (۵) ۳۸۴

پاسخ تشریحی آزمون جامع (۵) ۳۸۶

آزمون جامع (۶) ۳۸۷

پاسخ تشریحی آزمون جامع (۶) ۳۹۰

عنوان صفحه

آزمون جامع (۷) ۳۹۲

پاسخ تشریحی آزمون جامع (۷) ۳۹۵

آزمون جامع (۸) ۳۹۷

پاسخ تشریحی آزمون جامع (۸) ۳۹۹

آزمون جامع (۹) ۴۰۰

پاسخ تشریحی آزمون جامع (۹) ۴۰۳

آزمون جامع (۱۰) ۴۰۴

پاسخ تشریحی آزمون (۱۰) ۴۰۷

آزمون جامع (۱۱) ۴۰۹

پاسخ تشریحی آزمون (۱۱) ۴۱۲

آزمون جامع (۱۲) ۴۱۴

پاسخ تشریحی آزمون (۱۲) ۴۱۷

آزمون جامع (۱۳) ۴۲۰

پاسخ تشریحی آزمون (۱۳) ۴۲۲

آزمون جامع (۱۴) ۴۲۴

پاسخ تشریحی آزمون (۱۴) ۴۲۶

آزمون جامع (۱۵) ۴۲۸

پاسخ تشریحی آزمون (۱۴) ۴۳۰

به نام خدا

«به عنایت، نظری کن که من دل شده را نرود بی مددِ لطفِ تو، کاری از پیش»

خداوند بزرگ را سپاسگزارم که همواره، بنده را مورد لطف و عنایت خویش قرار می‌دهد تا بتوانم خدمتگزار فرهنگیان و دانش‌آموزانِ گرانقدرِ سرزمینم باشم.

کتاب فارسی نهم را بی‌شک، با نگاه و نگرش جدیدتری نسبت به کتاب‌های دیگر متوسطهٔ دورهٔ اول، نوشته‌ام. بیت‌های بسیاری را از شاعران کهن و معاصر انتخاب نموده‌ام تا دانش‌آموزان عزیزم، دگرگونی ادبیات کهن، شکل‌گیری ادبیات معاصر و تفاوت بین آن‌ها را بهتر درک کنند.

ساختار کتاب، همانند فارسی هفتم و هشتم است:

۱- بخش اول: مربوط می‌شود به شرح و بررسی لغت‌ها، شعرها و نثرهای دشوار، به ترتیب درس‌ها؛
۲- بخش دوم: اختصاص دارد به بررسی تمام دانش‌های زبانی و ادبی، همراه با تمرین‌ها و پرسش‌های چهارگزینه‌ای با پاسخ تشریحی؛

۳- بخش سوم: طراحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس به درس، به صورتِ دستور، لغت، مفهوم، آرایه‌های ادبی و ... همراه با پاسخ تشریحی.

پرسش‌های تشریحی و چهارگزینه‌ای، کاملاً با محتوای کتاب، در ارتباط هستند و دانش‌آموز به آسانی می‌تواند، خودش را مورد سنجش قرار بدهد.

۴- بخش چهارم: آزمون‌های جامع تیزهوشان، همراه با پاسخ تشریحی است.
در پایان، قدردان لطف و محبتِ دوستان و همکارانی هستم که با لطف و یاریشان، این کتاب به چاپ رسیده است؛ از آن جمله:

استاد گرامی، آقای دکتر علی سلطانی گرد فرامرزی که بخش‌های اول و دوم این کتاب را ویراستاری علمی کرده‌اند؛ خانم‌ها آزاده و آویسن امیدمهر که ویرایش کتاب را انجام داده‌اند. همکاران خوبم آقایان جواد باحشمت جویباری، کاظم کاظمی، سرکار خانم همتا سپهری ایرایی و آقای علی سلاجقه دانش‌آموز کوشای علامه حلی شهر کرمان که بخش‌های اول، دوم، سوم و چهارم را ویراستاری علمی کرده‌اند.

همچنین از آقای میرحمید خاتمی (مدیر فروش)، آقای خدایار مبین، خانم نسیم مرادی (مدیر تولید)، خانم عاطفه‌سادات موسوی که حروف‌چینی کتاب را برعهده داشته‌اند، خانم رضیه صفریان (طراح)، خانم مینا هرمزی (طراح جلد)، و خانم رؤیا صدر، سپاسگزارم.

همواره، منتظر پیشنهادهای شما عزیزان هستم. لطفاً پیشنهادهای خودتان را به نشانی انتشارات مبتکران به نام مؤلف کتاب، ارسال فرمایید.

پاینده باشید!

حمید طالب‌تبار

بخش اوّل

بررسی و شرح معنی بیت ها و نثرها به ترتیب درس ها

ستایش

مَلِکَا، ذکر تو گویم که تو پاک و خدایی نروم جز به همان ره که توام، راهنمایی

معنی: پروردگارا، همیشه به یاد تو سخن می گویم؛ زیرا تو پاک و منزّه هستی. در زندگی، شیوه‌ای را در پیش می گیرم که تو آن را به من نشان بدهی و بیاموزی.

آرایه‌ها: ملک ← استعاره از خدا / مصراع اول به آیه «الحمد لله رب العالمین» و مصراع دوم به آیه «اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم» تلمیح دارد.

نکته دستوری: بیت از شش جمله تشکیل شده است. «الف» در ملکا، حرف ندا و ملک، منادا است.

توجه

مصراع دوم این بیت، به دو صورت خوانده می شود.

الف) توام راهنمایی: تو راهنمای من هستی (در این صورت، مکث و درنگ بعد از «نما» قرار می گیرد.)

ب) توام راه نمایی: تو راه را به من نمایی (در این صورت، مکث و درنگ بعد از «راه» قرار می گیرد.)

اجزای جمله در عبارت «الف» چنین است: تو راهنما [ی] من (=ام) یی (= هستی)
نهاد مسند مضاف الیه فعل

اجزای جمله در عبارت «ب» چنین است: تو راه [را] [به] من (=ام) نمایی
نهاد مفعول متمم فعل

تاریخ ادبیات

سنایی غزنوی: ابوالمجد مجدود بن آدم (ولادت: اواسط یا اوایل نیمه دوم قرن پنجم، وفات: بین ۵۲۵ و ۵۴۵ ه.ق) شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم است. در آغاز شاعری مداح بود ولی تغییر حال داد و به عرفان روی آورد. وی دوستدار آل علی (ع) بود. از آثار او می توان به «حديقة الحقیقه» اشاره کرد.

ستایش

«به نام خداوند جان و خرد»

شاعر: حکیم ابوالقاسم فردوسی

قالب شعر: مثنوی

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها



جان: روح	❖ مهر: خورشید، محبت
برنگذرد: به ذهن نمی‌آید	❖ بیننده: چشم، کسی که می‌بیند. در شعر فردوسی مقصود از
نام: در این جا به معنی کلمه‌ای که برای نامیدن	«بینندگان» دو چشم یا چشمان است.
انسان یا چیزی به کار می‌رود.	نیز: در این جا به معنی هرگز
جای: مکان	جایگاه: مکان
رهنما: هدایت کننده، راهنمایی کننده	❖ ستودن: ستایش کردن
گردان سپهر: آسمان گردنده	❖ میان: کمر؛ میان بستن؛ آماده شدن برای کاری
فروزنده: روشنی‌دهنده، تابان	برنا: جوان

لغت‌های ستاره‌دار در آخر کتاب (= واژگان) معنی شده‌اند.

این درس، مانند تمام درس‌های آغازین کتاب‌های فارسی، مناجات (تحمیدیه) است. راز و نیاز با خداوندی که آرامش‌بخش دل‌ها و کارگشای همه مشکلات بندگانش است. فردوسی در این شعر به عظمت و بزرگی خداوند اشاره می‌کند و می‌گوید که خداوند با چشم‌های مادی قابل دیدن نیست و انسان نمی‌تواند عظمت خداوند را سپاس بگوید. در نتیجه خداوند فقط قابل ستایش و بندگی است.

محتوای درس

معنی بیت

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

بیت ۱

معنی: سخن را به نام خدایی که خالق جان و خرد است، آغاز می‌کنم، زیرا خداوند از همه اندیشه‌ها و خردها، برتر و بالاتر است. (فکر ما بیش‌تر از این نمی‌تواند، عظمت و حقیقت خداوند را درک کند).

آرایه: اندیشه و خرد ← مراعات‌نظیر

نکته دستوری: در مصراع اول، فعل «آغاز می‌کنم» به قرینه معنوی حذف شده است. / اندیشه ← وندی (اندیش + ه)

نکته

اگر واژه‌ای از یک جزء معنی‌دار و از یک یا چند وند (= پیشوند یا پسوند) ساخته شود، به آن، وندی می‌گویند. برای آشنایی با ساختمان وندی، مرکب و وندی - مرکب به بخش دوم همین کتاب، درس ۱۶ مراجعه کنید.

خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای

بیت ۲

معنی: پروردگاری که همه پدیده‌ها و همه مکان‌ها را به وجود آورده است و به آن‌ها روزی داده و به راه راست، هدایت کرده است.

آرایه: تکرار «خ» و «ن» ← واج‌آرایی

نکته دستوری: رهنمای ← صفت مرکب (صفت فاعلی مرکب مرخم)

بیت ۳

خداوند کیوان و گردان سپهر فروزنده ماه و ناهید و مهر

معنی: پروردگاری که کیوان و آسمان گردنده را آفرید و به ماه و ناهید (به ماه و ستارگان) و خورشید، روشنایی بخشید.

نکته

در گذشته، مردم اعتقاد داشتند که زمین ثابت است و آسمان، ستارگان و خورشید، دور زمین می‌گردند.

آرایه: کیوان، سپهر، ماه، ناهید و مهر ← مراعات‌نظیر

– کیوان: نام دیگر آن «زُخُل» است و ششمین سیاره منظومه شمسی به نسبت فاصله از خورشید. کیوان در قدیم به معنی «آسمان» به کار می‌رفت.
نکته دستوری: گردان سپهر ← ترکیب وصفی مقلوب (سپهر گردان) / فروزنده ← صفت وندی (فروز + نده)، در این جا جانشین اسم شده است.

بیت ۴

بسه بینندگان، آفریننده را نبیننی، مرنجان دو بیننده را

معنی: به وسیله چشم‌ها، نمی‌توانی خداوند را ببینی، بنابراین چشمانت (وجودت) را برای این کار بیهوده آزار نده.

نکته دستوری: بینندگان، آفریننده و بیننده ← وندی / دو بیننده ← ترکیب وصفی (دو ← صفت شمارشی / بیننده ← هسته)
مفهوم: خداوند را نمی‌توان با حواس مادی دید و درک کرد.

بیت ۵

نیابد بدو نیز، اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه

معنی: اندیشه و خرد انسان هرگز نمی‌تواند خداوند را درک کند چون که خداوند، مادی نیست و از همه پدیده‌ها و مکان‌های مادی، بالاتر و برتر است.

آرایه: راه نیافتن اندیشه ← کنایه از درک نکردن اندیشه و خرد

مفهوم: انسان‌ها نمی‌توانند عظمت خداوند را درک کنند.

بیت ۶

ستودن نداند کس او را چو هست میان، بندگی را بیایست بست

معنی: هیچ کسی نمی‌تواند خدا را آن‌چنان که شایسته است، ستایش کند، بنابراین باید کمر خدمت را ببندی و خداوند را بندگی و اطاعت کنی.

آرایه‌ها: هست و بست ← جناس / مصراع دوم، تکرار «ب» ← واج‌آرایی / میان بندگی بستن ← کنایه از آماده‌بندی شدن

بیت ۷

توانا بود هرکه دانا بود ز دانش، دل‌پیر، برنا بود

معنی: هرکسی که از دانایی (آگاهی) برخوردار باشد، بسیار توانمند و قدرتمند است. علم، سبب می‌شود که انسان‌های پیر، در دلشان، احساس نشاط و شادابی کنند.

آرایه: برنا و پیر ← تضاد / این بیت ضرب‌المثل است.

تاریخ ادبیات

فردوسی: در روستای باژ، واقع در منطقه توس خراسان به دنیا آمد. از نجیب زادگان و دهقانان توس بود. او مردی شیعه مذهب بود و دلبستگی‌اش به میراث قومی و فرهنگی ایران کهن، مانع از ارادت خالصانه او به خاندان پیامبر (ص) نشد. فردوس ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه، رنج کشید و در حالی که نزدیک به ۸۰ سال داشت، به سال ۴۱۱ هـ. ق درگذشت و در زادگاه خود به خاک سپرده شد.

دیده‌ای نیست نبیند رُخ زیبای تو را نیست گوش‌ی که همی نشنود آوای تو را

معنی: چشمی وجود ندارد که چهرهٔ زیبای تو را نبیند و هیچ گوش‌ی وجود ندارد که صدای تو را نشنود.
مفهوم کنی: آثار و نشانه‌های تو قابلِ درک و شناخت هستند.
شاعر: امام خمینی (ره)

فصل اوّل

زیبایی آفرینش

درس اول

«آفرینش همه تنبیه خداوند دل است»

شعر از: سعدی

قالب شعر: قصیده

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها



بامداد: صبح زود	حیف: افسوس، دریغ
لیل: شب	الوان: ج لون، رنگارنگ
نهار: روز	صدبرگ: نوعی گل سرخ با گلبرگ‌های پُرپر و زیاد
تماشا: نگاه کردن به چیزی به قصد تفریح	حیران: سرگردان
آفرینش: آفریده‌های جهان	عنب: انگور
تنبیه: هوشیار کردن، آگاه ساختن کسی بر کاری	حُقه: جعبه، ظرفی کوچک که در آن جواهر یا چیزهایی دیگر نگهداری می‌شود.
خداوند دل: صاحب دل، انسان عارف	یاقوت: سنگ قیمتی به رنگ‌های سرخ، زرد و کبود
دل (دل ندارد): احساس و عاطفه	تقدیر: فرمان خدا، قسمت و سرنوشتی که خداوند برای بندگان
اقرار: اعتراف	خود معین فرموده است
عجب: شگفت‌آور، عجیب	مُسخر: رام و مطیع
وجود: هستی	کرم: بخشش
فکرت: فکر و اندیشه	بار: آفریننده، خالق، نیکوکار
تسبیح: نیایش کردن، خدا را به پاکی یاد کردن	إنعام: بخشش، نعمت دادن
مُستمع: شنونده	راست رو: مخالف کج رو، درستکار، کسی که از راه راست
اسرار: جمع سِر، رازها	خارج نمی‌شود.
مرغان: پرندگان	گوی: توپ کوچک
خفته: غافل و بی‌خبر	کج‌رفتار: کسی که رفتاری نادرست دارد.
جهالت: نادانی	

بهتر یاد بگیریم

الوان (alvān): جمع لون به معنی رنگ‌ها.

گاهی واژه الوان به صورت صفت به کار می‌رود و به معنی «رنگارنگ» است؛ مانند مصراع «که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟»
 إنعام: نعمت دادن، بخشش / أنعام (= جمع نَعَم): چهارپایان، معمولاً در معنای مفرد به کار می‌رود.

محتوای شعر

شعر «آفرینش همه تنبیه خداوند دل است» از بخش مواعظ (= جمع موعظه، به معنی پندها و اندرزها) سعدی انتخاب شده. اصل شعر، دارای ۴۳ بیت و با نام «وصف بهار» سروده شده است. این شعر با آوردن آیات و نوشته‌های خداوند بزرگ و نیاز انسان به پروردگار، همراه است. در این سروده زیبا، سعدی پدیده‌های هستی را در حال نیایش و ستایش پروردگار یافته است و به این نکته اشاره دارد که با نگاه جستجوگرانه به پدیده‌های آفرینش، می‌توان به شناخت خداوند دست یافت.

معنی بیت

بیت ۱

بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار / خوش بُود دامن صحرا و تماشای بهار

معنی: در صبح زودِ اوّل بهار که طول شب و روز آن یکسان است، رفتن به صحرا و تماشا کردن گل‌های زیبای بهاری، لذّت بخش است.

آرایه‌ها: لیل و نهار / تضاد / بهار و نهار / جناس

نکته دستوری: لیل و نهار / نهاد / خوش / مسند

توجه

تفاوت نکردن لیل و نهار، اشاره به مساوی بودن طول شب و روز در سال دارد که دوبار اتفاق می‌افتد: ۱- ابتدای بهار ۲- ابتدای پاییز.

بیت ۲

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

معنی: تمام پدیده‌های آفرینش برای آگاه کردن انسان‌های عارف است و اگر کسی وجود خدا را انکار کند و به خدا ایمان نیاورد، ذوق و احساسی ندارد.

آرایه‌ها: واج‌آرایی / «د» / که و به / جناس / دل / مجازاً احساس و عاطفه

نکته دستوری: آفرینش (آفرین + ش) / وندی / که در مصراع دوم به معنی کسی که، ضمیر مبهم است و نقش نهادی دارد. / همه / بدل

بیت ۳

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هرکه فکرت نکند، نقش بُود بر دیوار

معنی: هر کسی که با این همه نقش‌ها و پدیده‌های عجیب هستی به آفریننده آن‌ها نیندیشد، همانند عکس و تصویر روی دیوار، بی‌احساس و بی‌روح است.

آرایه‌ها: در و دیوار / مراعات نظیر / دیوار وجود / اضافه تشبیهی / بر و در / جناس / نقش بر دیوار بودن / کنایه از بی‌روح بودن

توجه

«ت» در فکرت، ضمیر نیست! بلکه مربوط به خود کلمه «فکرت» است.

بیت ۴

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند / نه همه مُستمعی فهم کند این اسرار

معنی: کوه، دریا و درختان (همه موجودات) در حال نیایش خداوند هستند، اما هر شنونده‌ای این راز را درک نمی‌کند.

آرایه‌ها: کوه و دریا و درختان: مراعات نظیر / بیت تلمیح دارد به آیه ۴۴ سوره اسراء: *إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا*. / در تسبیح بودن کوه و دریا و درختان / تشخیص

معنی: چیزی در جهان نیست مگر آن که خدا را تسبیح می‌کند و به پاکی می‌ستاید، لیکن شما تسبیح آن را نمی‌فهمید. به درستی که خدا صبور و

آمرزنده است.

بیت ۵

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟

معنی: آیا خبر داری که پرندگان سحری به هنگام صبح می‌گویند: ای انسان غافل، از بی‌خبری و نادانی، رها شو.

آرایه‌ها: گفتن به مرغان سحر نسبت داده شده < تشخیص / خواب، سحر و خفته < مراعات‌نظیر / سر و سحر < جناس / خفته < کنایه

از غافل / خواب جهالت < اضافه تشبیهی / سر از خواب برداشتن < کنایه از آگاهی و بیداری

نکته دستوری: «ت» در خبر، متمم است: خبر برای تو هست (تو < متمم) / خفته < صفت جانشین اسم: ای [انسان] خفته.

بیت ۶

تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

معنی: تا کی می‌خواهی مانند گل بنفشه، در غفلت و نادانی به سر ببری. حیف است که تو بی‌خبر و غافل باشی و گل نرگس بیدار و آگاه باشد.

آرایه‌ها: بنفشه و نرگس < مراعات‌نظیر / چو بنفشه < تشبیه / در و سر < جناس / بنفشه در این بیت، نماد غفلت و سرافکندگی / نرگس،

نماد بینایی و آگاهی است / سر غفلت در پیش گرفتن < کنایه / خواب و بیدار < تضاد / بیدار بودن نرگس < تشخیص

نکته دستوری: «حیف» نقش مسندی دارد. / «ی» در خوابی، به معنی «هستی»، فعل اسنادی است.

بیت ۷

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ یا که داند که برآرد گلِ صبرگ از خار؟

معنی: تنها خداوند بزرگ است که می‌تواند از چوب درخت، میوه‌های رنگارنگ و از خار، گل‌های سرخ زیبا، پدید آورد.

آرایه‌ها: چوب < مجازاً درخت / گل و خار < تضاد / گل، برگ و خار < مراعات‌نظیر

نکته دستوری: هر دو مصراع، استفهام انکاری است. / صبرگ < صفت مرکب

بیت ۸

عقل، حیران شود از خوشه زرّینِ عنب فهم، عاجز شود از حقه یاقوت انار

معنی: عقل از زیبایی خوشه طلایی انگور، متحیر است و فهم از درک زیبایی و ظرافت‌های دانه‌های انار که مانند یاقوتی سرخ و ارزشمند، می‌درخشد، ناتوان است.

آرایه‌ها: حیران شدن عقل و عاجز بودن فهم < تشخیص / عنب و انار < مراعات‌نظیر / حقه یاقوت انار < اضافه تشبیهی

(انار به کیسه‌ای پر از یاقوت تشبیه شده است).

نکته دستوری: حیران < مُسند / شود (= می‌شود) < مضارع اخباری / خوشه زرّین < ترکیب وصفی (= زرّین < صفت نسبی) /

خوشه عنب < ترکیب اضافی (= عنب < مضاف‌الیه) / «حقه یاقوت» و «یاقوت انار» دو ترکیب اضافی

بیت ۹

پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید، مُسخر کند و لیل و نهار

معنی: خداوند پاک و بی‌عیب با فرمان خود، تمام پدیده‌ها و موجودات را (ماه، خورشید و شب و روز را) مطیع خود کرده است.

آرایه‌ها: لیل و نهار < تضاد / ماه و خورشید < مراعات‌نظیر / بیت، تلمیح به آیات قرآن دارد.

بیت ۱۰

تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

معنی: اگر همه مردم تا روز قیامت درباره بخشش و لطف خداوند سخن بگویند، باز هم یکی از هزاران لطف و رحمت خداوند، گفته نمی‌شود.

نکته دستوری: «تا» حرف اضافه است و قیامت، متمم / همه، نقش نهادی دارد.

آرایه: یک و هزار < تضاد

بیت ۱۱

نعمت بار خدایا، ز عدد بیرون است شکرِ انعام تو هرگز نکند شکرگزار

معنی: پروردگارا، نعمت‌های تو قابل شمارش نیست و هیچ انسانِ شکرگزاری نمی‌تواند، شکر نعمت‌های بی‌کران تو را به جای آورد.

آرایه‌ها: نعمت، شکر، انعام و شکرگزار ← مراعات‌نظیر / ز عدد بیرون بودن ← کنایه از بی‌شمار بودن

نکته دستوری: «ت» در نعمت ← مضاف‌الیه / هرگز ← قید نفی

بیت ۱۲

سعدیا، راست رُوّان، گوی سعادَت بُردند راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

معنی: ای سعدی، انسان‌های درست‌کردار، به سعادت و خوش‌بختی می‌رسند؛ بنابراین تو هم انسانی صادق و راستگو باش، زیرا انسان بد رفتار به هدف و مقصودش نمی‌رسد.

آرایه‌ها: راست رُوّان و کج رفتار ← تضاد / گوی سعادَت ← اضافه تشبیهی / گوی بُردند ← کنایه از دست یافتن و سبقت گرفتن / به منزل نرسد ← کنایه از به نتیجه و هدف نرسد.

نکته دستوری: سعدی ← منادا و «ا» ← حرف ندا / راست رُوّان (= راست + رو + ان) ← وندی - مرکب / کج رفتار (= کج + رفت + ار) ← وندی - مرکب و صفت جانشین اسم (انسانِ کج رفتار)

«کلیات سعدی، بخش قصاید»

واژه‌های مهم املائی

تفاوت - لیل و نهار - صحرا - تنبیه - اقرار - نقش عجب - فکرت - تسبیح‌اند - مُستمعی - اسرار - مرغان سحر - خفته - جهالت - غفلت - حیف - میوه‌الوان - صدبرگ - حیران - خوشه زرّین - عنب - عاجز - حقه یاقوت - تقدیر عزیز - مسخر - انعام - شکرگزار - گوی سعادت

تاریخ ادبیات

سعدی: مُشرف‌الدّین مصلح بن عبدالله شیرازی (۶۹۰ - ۶۰۶ ه. ق) شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم است. سعدی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد. در سال ۶۵۵ بوستان را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶) گلستان را تألیف کرد. علاوه بر این‌ها قصاید، غزلیات، قطعات، ترجیع‌بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی دارد که همه را در «کلیات» وی جمع کرده‌اند.

حکایت

سفر

نوع نثر: ساده و روان از: کتاب اسرار التّوحید محمدبن منور

معنی واژه ها به ترتیب سطرها

❖ معرفت: شناخت، علم

❖ پیر: مرشد، راهنما

آسیاب: دستگاهی که غلات را آرد می‌کند. گرد خویش گشتن: با خود اندیشیدن، به کار خود توجه کردن

افسار: دهنه، ریسمانی که به سر و گردن اسب می‌بندند. پیوسته: همیشه

ساعتی: یک ساعت، مدّتی درخود: درون خود

درنگ: توقف، صبر، مکث

این حکایت که از زبان ابوسعید ابی‌الخیر نقل شده است، تأکید بر خویشتن شناسی دارد و می‌گوید شناخت واقعی، همان شناخت خود (خودشناسی) می‌باشد.

محتوای حکایت

معنی نثر

☆ روزی پیر ما، با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید. افسار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد؛ سپس به همراهان گفت: «می‌دانی که این آسیاب چه می‌گوید؟ می‌گوید: معرفت این است که من در آنم. گرد خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم تا هرچه نباید، از خود دور گردانم!»

معنی: یک روز، شیخ و راهنمای ما ابوسعید ابی‌الخیر، با گروهی از همراهانش به در آسیابی رسید. اسبش را نگه داشت و توقف کرد و مدّتی، صبر کرد. سپس به همراهانش گفت: می‌دانید که این آسیاب چه چیزی را به ما می‌گوید؟ می‌گوید: شناخت واقعی همین است که من در حال پرداختن و انجام دادن آن هستم. به هنگام گشتن، با خودم اندیشه می‌کنم و به کارهای خودم توجه می‌کنم و آن چیزهایی را که شایسته نیستند انجام نمی‌دهم و از خودم دور می‌سازم.

تاریخ ادبیات

اسرار التّوحید فی مقامات ابوسعید: کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی‌الخیر که محمدبن منور (یکی از نوادگان ابوسعید) آن را در قرن ششم نگاشته است.

درس دوم

«عجایب صنع حق تعالی»

نوع نثر: ساده و روان از: کتاب کیمیای سعادت امام محمد غزالی

معنی واژه ها به ترتیب سطرها



بدان: آگاه باش	بلکه: علاوه بر این، اضافه بر این
❖ صنع: آفرینش، احسان، ساختن و نیکویی کردن	مرغان هوا: پرندگان آسمان
❖ تعالی: بلند مرتبه، بلند پایه	نیکوتر: زیباتر، خوب تر
نهرها: جوی ها، رودخانه ها	❖ چون: چگونه
❖ جواهر: جمع جوهر، گوهرها	آشیان: لانه
❖ نباتات: جمع نبات، گیاهان	نقش: نقاشی
بر: خشکی	کنده کرده باشند: کنده کاری (گچ بُری) کرده باشند.
بحر: دریا	صفت: وصف کردن
❖ میغ: ابر، سحاب	❖ قندیل: مشعلی که از سقف آویزان کنند؛ چراغ آویز، چراغدان
رعد: صدای ابرها	مختصر: کم و کوتاه، ناچیز
❖ قوس قزح: رنگین کمان	مَثَل: وصف حال، داستان، به عنوان مثال
علامات: جمع علامت، نشانه ها	ملک: پادشاه
عجایب: جمع عجیبه، شگفتی ها	جمال: زیبایی
❖ آیات: ج آیات، نشانه ها، علامت ها، هر عبارت قرآن	صورت: ظاهر
که بدان وقف کنند.	❖ سریر: تخت، اورنگ
اندر: در	❖ مُلک: پادشاهی، فرمانروایی
بساط: فرش، گستردنی	❖ قناعت: خرسند بودن به مقدار کم، خشنود بودن از آنچه که
جوانب: جمع جانب، اطراف، کناره ها	روزی انسان است.
فراخ: گشاد، وسیع، گسترده	بُستان: بوستان، گلزار
سخت: محکم	❖ مدهوش: سرگشته، سرگردان
❖ لطیف: نیکو، پاکیزه	متحیر: حیران، سرگردان
❖ دیبا: پارچه ابریشمی رنگین	

بهر یاد بگیریم

کاربرد واژه «چون»:

- ۱- گاهی چون به معنی «از قبیل» و حرف اضافه است؛ مانند:
چون کوه و بیابان و نهرها و ... (در این عبارت، تشبیه وجود ندارد و «چون» ادات تشبیه نمی‌باشد).
- ۲- چون به معنی «چگونه» و نقش قید پرسشی دارد؛ مانند:
غذای خویش چون به دست آورد و بچه را چون نگه دارد.
- ۳- چون به معنی «مثل» و «مانند» که در دستور به آن حرف اضافه و در آرایه به آن ادات تشبیه می‌گویند؛ مانند:
مثل تو چون مورچه‌ای است که در قصر ملکی سوراخی دارد.

این درس که از کتاب کیمیای سعادت امام محمد غزالی انتخاب شده است، بر شناخت خداوند و شناخت دنیا، تأکید شده است.

غزالی می‌گوید: اگر عظمت و بزرگی دنیا و پدیده‌هایی را که در آن آفریده شده‌اند، درک کنی و در طبیعت با اندیشه گشت و گذار کنی پی می‌بری که برای همه این‌ها، خدایی لازم است چون که بدون خداوند بزرگ، انسجام این دنیای بیکران غیرممکن است. در آخر به همه انسان‌ها توصیه می‌کند که در این دریا و بوستان بیکران معرفت (دنیا) با عقل و اندیشه، تفکر کنند تا به بزرگی خداوند راه یابند در غیر این‌صورت در همان حد و اندازه جسم مادی خود و دنیای مادی باقی می‌مانند و از حقیقت، دور می‌شوند.

محتوای درس

معنی نثر

☆ بدان که هرچه در وجود است، همه صنع خدای تعالی است. آسمان و آفتاب و ماه و ستارگان و زمین آنچه بر وی است، چون کوه و بیابان و نهرها و آنچه در کوه‌هاست از جواهر و معادن و آنچه بر روی زمین است از انواع نباتات و آنچه در بر و بحر است از انواع حیوانات و آنچه میان آسمان و زمین است چون میغ و باران و برف و تگرگ و رعد و برق و قوس قزح و علاماتی که در هوا پدید آید، همه عجایب صنع حق تعالی است و این همه، آیات حق تعالی است که تو را فرموده است تا در آن نظر کنی. پس اندر این آیات تفکر کن.

معنی: آگاه باش که هرچه در جهان هستی وجود دارد، همه را خداوند بلندمرتبه، آفریده است. آسمان، آفتاب، ماه، ستارگان و زمین، آنچه بر روی زمین است مانند کوه، بیابان و رودخانه‌ها و آنچه در کوه‌هاست از سنگ‌های قیمتی و معدن‌ها و آنچه که بر روی زمین وجود دارد، از گیاهان گوناگون و آنچه که در خشکی و دریا وجود دارد از انواع حیوانات و آنچه که در میان آسمان و زمین است، مانند ابر، باران، برف، تگرگ، رعد، برق، رنگین کمان و نشانه‌هایی که در هوا آشکار می‌شود، همه، شگفتی‌های آفرینش خداوند بلندمرتبه است و این‌ها، نشانه‌هایی از خداوند بلندمرتبه است که به تو فرمان داده است که در آن‌ها نگاه کنی. پس در این نشانه‌های خداوند، فکر و اندیشه کن.

آرایه‌ها: آفتاب، ماه و ستارگان ← مراعات نظیر / زمین، کوه و بیابان ← مراعات نظیر / جواهر و معادن ← مراعات نظیر / میغ، باران، تگرگ و قوس قزح ← مراعات نظیر (در قسمت آغازین درس، چون چند مجموعه مراعات نظیر با هم به کار رفته است، شبکه معنایی به وجود آمده است.) / آسمان و زمین ← تضاد / بر و بحر ← تضاد / این عبارت، تلمیح دارد به آیه‌های ۶ تا ۱۱ سورة «ق»:

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ^(۶) وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رِوَاسِيَّ وَابْتَنَّا فِيهَا كُلَّ زَوْجٍ بَهِيجٍ^(۷) تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ ...

ترجمه: آیا منکران حق، آسمان را فراز خود نمی‌نگرند که ما چگونه بنای آن را محکم اساس نهادیم و آن را به زیور ستارگان درخشان آراستیم که هیچ خلی در آن راه ندارد (۶) و زمین را نمی‌نگرند که آن را بگسترده‌ایم و در آن کوه‌های استوار بیفکندیم و هر نوع گیاه با حسن و طراوت را در آن، برویاندیم (۷) این دلایل قدرت در آسمان و زمین، موجب بصیرت و تذکر هر بنده است...

یادآوری: در این عبارت، تشبیه وجود ندارد. (چون کوه و بیابان و ...) تشبیه نیست.

نکته دستوری: «وی» در «بر وی است»، ضمیر شخصی است که به زمین، برمی‌گردد. این کاربرد، قدیمی است و در گذشته برای غیر انسان هم از ضمیر شخصی استفاده می‌کردند.

☆ در زمین، نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است و جوانب وی فراخ، گسترانیده و از زیر سنگ‌های سخت، آب‌های لطیف، روان کرده، تا بر روی زمین می‌رود و به تدریج بیرون می‌آید. در وقت بهار بنگر و تفکر کن که زمین، چگونه زنده شود و چون دیبای هفت‌رنگ گردد، بلکه هزار رنگ شود.

معنی: به زمین نگاه کن که [خداوند] چگونه آن را مانند فرش برای تو ساخته و اطراف آن را وسیع، گسترده است و از زیر سنگ‌های محکم، آب‌های گوارا، جاری کرده است، که بر روی زمین، جاری می‌شود و اندک اندک از زیر زمین بیرون می‌آید و به هنگام بهار، نگاه کن زمین، چگونه زنده و شاداب می‌شود و مانند پارچه ابریشمی، رنگارنگ و زیبا می‌شود، بلکه هزار رنگ می‌شود.

آرایه‌ها: سنگ، آب، لطیف و روان ← مراعات‌نظیر / زمین چون (= مانند) دیبای هفت رنگ ← تشبیه / آسمان و زمین ← تضاد

نکته دستوری: چگونه ← قید / سخت، لطیف و هفت رنگ ← صفت پسین بیانی / هزار رنگ ← صفت مرکب که این‌جا نقش مُسندی دارد.

توجه

هفت و هزار در این عبارت، به تنهایی صفت پیشین نیستند بلکه در ساخت کلمه به کار رفته‌اند و واژه مرکب ساخته‌اند.

ویژگی‌نثرهای کهن در این عبارت، کاملاً آشکار است:

۱. کوتاهی جمله‌ها: در زمین نگاه کن / چگونه بساط تو ساخته است / جوانب وی فراخ گسترانیده
۲. فراوانی فعل‌ها: نگاه کن / ساخته است / گسترانیده / کرده / می‌رود / می‌آید و ...
۳. تکرار فعل‌ها و برخی کلمه‌ها: زمین / شود / کن / چگونه و ...

☆ نگاه کن مرغانِ هوا و حشرات زمین را هر یکی بر شکلی دیگر و بر صورتی دیگر و همه از یک‌دگر نیکوتر؛ هریکی را آنچه به کار باید، داد و هریکی را بیاموخته که غذای خویش چون به دست آورد و بچه را چون نگاه دارد تا بزرگ شود و آشیان خویش چون کند. در مورچه، نگاه کن که به وقت خویش، غذا چون جمع کند.

معنی: به پرندگان آسمان و حشره‌های روی زمین نگاه کن که هریک را با شکل و ظاهری متفاوت آفریده و هر کدام از دیگری بهتر و زیباتر است. آنچه که لازم بود به هریک (موجودات) داده و به هر کدام، یاد داده که چگونه غذا به دست بیاورد و بچه را نگه دارد تا بزرگ بشود و چگونه لانه خود را بسازد. به مورچه نگاه کن که چگونه در زمان مناسب، غذایش را جمع می‌کند.

آرایه: هوا (= آسمان) و زمین ← تضاد

نکته دستوری: هریکی و همه ← ضمیر مبهم / دیگر (دوبار تکرار شده) ← صفت مبهم / نیکوتر ← صفت تفضیلی / آنچه ← ضمیر اشاره / آنچه

← مفعول / هریکی ← متمم (آنچه را به هریکی ...) / چون (= چگونه) ← قید پرسشی